

دلوران رزمنده خلق



یادی از رفیق بصیر اخگر

اگر تاریخ جنبش انقلابی خلق افغانستان را انگشتی است
رفیق اخگریکی از نگینه سرخ و انقلابی آن انگشتر است
بگذار خذف ها بر مرگ رفیع اش میخ سکوت بکوبند
جایگاه رفیع اش در قلب جنبش انقلابی خلق
مظلوم افغانستان باخط قرمز ثبت است

رفیق بصیر اخگر یکی از مبارزین مشهورویکی از کادر های ورزیده "سازمان جوانان مترقی" و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)ویکی از دلاوران مبارزو رزمنده خلق مظلوم افغانستان بود. مشارالیه 64 سال قبل در یک خانواده روحانی در دره زیبای پشه یی پغمان ولایت کابل دیده به جهان گشود. دوره ابتدائیه را در مکتب خواجه لکن پغمان و دوره متوسطه ولیسه را در مکتب ابن سینا و دارالمعلمین کابل به پایان رسانید و بعد شامل فاکولته ادبیات پوهنتون کابل شد. موصوف بعد از ختم تحصیل به صفت معلم در لیسه محمود طرزی ومدتی هم به حیث معلم در لیسه پغمان ایفای وظیفه نمود. رفیق اخگر یکی از مبارزین صادق، فعال، شجاع، نترس و سر سپرده راه مردم بود، که لحظه ای از مبارزه اصولی و انقلابی بر ضد ارتجاع، فئودالیزم، امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و نوکران داخلی آن ها باز نه ایستاد. در زمانیکه جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) در بسا از نقاط کشور در حال گسترش و پیشروی بود؛ رفیق بصیر اخگر یکی از دلاوران و سرسپردگان آن جنبش عظیم و کبیر تاریخی بود که با فعالیت انقلابی، اصولی و خستگی ناپذیر خویش، آن جنبش را توان و نیرو می بخشید و در فعالیت های انقلابی آن نقش عمده و اساسی داشت. رفیق اخگر در سازماندهی جنبش دموکراتیک نوین در پغمان نقش اساسی داشت و لیسه پغمان را به کانون جنبش دموکراتیک نوین مبدل نمود. ه بود. همچنان مشارالیه در سمت و سو دادن جنبش دهقانی پغمان که معروف به "جنبش چنغر" است، نقش موثر داشت. رفیق بصیر اخگر یک انقلابی، صادق، وفادار و فعال بود، منافع

انقلاب را بر منافع شخصی اش تر جیح میداد، دسپلین و انضباط تشکیلاتی را سخت رعایت میکرد، در قرار و وعده خویش سخت پایبند بود. به شخصیت انقلابی رفیق اکرم یاری زیاد احترام داشت و همیشه از آن به نیکوئی یاد میکرد. زمانیکه عده ای از اپورتونیست های خزیده در درون جنبش نوشته جنون آمیز، توطئه گرانه و افشأ گرانه "پس منظر تاریخی" را بیرون دادند و در آن اتهامات بی پایه و ناروایی را بر علیه رفیق اکرم یاری مطرح ساختند؛ رفیق اخگر تأکید میکرد که مواضع پس منظر، مواضع انحرافی و تسلیم طلبانه است؛ و پس منظر نویسان با این اتهامات ناروا و غیر انقلابی میخواستند شانه های شان را از زیر بار وظایف انقلابی خلاص نمایند و بر حق که چنین شد و "پس منظر" نویسان به گرد و غبار تبدیل شدند و بزودی سر از گریبان ارتجاع اسلامی بر آوردند و به تسلیم طلبی ملی و طبقاتی سقوط نمودند. بعد از کشته شدن رفیق سیدال سخندان، یکی از صدیق ترین و پاکباز ترین فرزندان خلق زحمتکش افغانستان، که تشنت و پراکندگی در سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین شعله جاوید آغاز گردید و عده ای از افراد تحت رهبری داکتر فیض انشعاب نمودند و سازمان جوانان مترقی را متهم به اپورتونیزم نمودند، و جایگاه آن را در کنار باندهای احزاب جنایت کار خلق و پرچم تثبیت نمودند. رفیق بصیراخرگر باز هم در دفاع از سازمان جوانان مترقی برآمد و تأکید نمود؛ که: سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین تحت رهبری اش، با وجود یک سلسله نواقص و اشتباهات، در مجموع مواضع انقلابی و مترقی داشته، باید اشتباهات آن را انتقاد نموده

و مواضع درست و اصولی آن را تقویه نمائیم. اما انتقادیون ، انتقادات خویش را تا سرحد جدائی و انشعاب ادامه دادند و ضربه سختی بر پیکر جنبش انقلابی دموکراتیک نوین وارد نمودند . با آغاز پروسه انشعاب ، مریض شدن رفیق اکرم یاری ، و انحلال سازمان جوانان مترقی هزاران نفر از روشنفکران پاکباز و جانباز که در صفوف جریان دموکراتیک نوین ، در پوهنتون ها ، مکاتب مختلف کشور ، و کارخانجات رز میده بودند ، بی سر نوشت شدند . جای کار منظم تشکیلاتی را اتهام زنی ، گروهگرایی و محفل بازی گرفت . گرچه عده ای معدود از شعله ای های که با انتقادیون ارتباط داشتند از طرف انتقادیون جذب گردیدند ؛ اما عده ای زیاد از شعله ای ها ، مورد بی اعتمادی و اتهام زنی قرار گرفته و بی ارتباط ماندند که بعضی از آن هادر زمان حاکمیت فاشیستی باند های خلق و پرچم و احزاب اسلامی یا به کشتار گاه های جلادان پست فطرت و دنی سوق گردیدند و یا بخاطر پیدا کردن لقمه نانی از پروسه مبارزه انقلابی بدور ماندند . رفیق بصیر اخگر بعد از انشعاب سازمان جوانان مترقی ، مدتی عازم کشور آلمان گردید و در آن جا نشریه انقلابی "به پیش" را منتشر نمود و طی چند شماره مواضع "پس منظر" را به نقد کشید و پرده از روی اعمال غیر انقلابی آنها برداشت . رفیق اخگر مدتی که در آلمان بود ، در اتحادیه عمومی افغانستانی های خارج کشور فعال بود و نقش عنصر آگاه را در آن اتحادیه ایفا نمود . اما بزودی دوباره عازم کشور شد و مبارزات انقلابی خود را در داخل کشور ادامه داد . با کودتای منحوس فاشیست های خلق و پرچم این مزدوران سوسیال امپریالیستهای

روسی، رفیق اخگر نیز مانند دیگر عناصر انقلابی دستگیر گردید و بعد از 6 جدی و روی کار آمدن باند " پرچم" از بند رها گردید و زندگی مخفی را اختیار نمود. بعد با سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) پیوست و مدتی در فعالیت های سیاسی و نظامی آن در شمالی نقش پیش آهنگ را بازی نمود. بعد از تسلیم طلبی و "اعلام مواضع" رفیق اخگر با عده ای دیگر از "ساما" بریدند و هسته انقلابی کمونیست های افغانستان را پیروزی نمودند؛ رفیق اخگر بعد از مدتی از هسته انقلابی کنار ه گرفت و کوشش نمود بطور مستقلانه دوباره خط انقلابی سازمان جوانان مترقی و در راس آن رفیق اکرم یاری را احیا نماید، اما این بار مریضی مجال کار انقلابی را به رفیق اخگر نداد. رفیق اخگر در زمان حکومت مجاهدین از وظیفه بر طرف گردید و در زمان امارت طالبان مدتی زندانی گردید، اما با وساطت مردم منطقه دوباره ه آزاد گردید.

رفیق اخگر در اواخر عمر با مشکلات سخت اقتصادی روبرو گردید، با وجود مریضی که داشت، برای اعاشه و اباته فامیل به " مزدور کاری" میپرداخت و از آن راه زندگی بخور و نمیر خود را سپری مینمود. رفیق اخگر در جریان مبارزه طبقاتی با وجود رنج و مشکلات مبارزاتی و تنگدستی شدید که به آن مواجه گردید، سه تن از فرزندان پاکباز و جوان خویش را نیز از دست داد.

1- بهمن در سال 1995 میلادی در " کمپ ببو" مربوط باند جنایت کار سیاف از طرف احزاب جنایت کار اسلامی اختطاف وبه قتل رسید .

2- سیاوش همراه با شوهر خواهرش در یک حادثه ترافیکی کشته شدند .

3- بیژن در یک برخورد مسلحانه در منطقه خیر خانه به قتل رسید .

بادریغ ودرد که رفیق اخگر، این انقلابی نستوه وپاکباز روز دوشنبه 19 جون 2006 به اثر مریضی دیرپای سرطان ، در زادگاه اش به جاودانگی پیوست . جای بسیار تأسف است که تا حال رفقای شعله ای وسامائی او که رفیق " اخگر" یک عمر با آنها همکاروهم سنگر بود ، یادی از آن بزرگ مرد نستوه بعمل نیاورده اند وبا میخ سکوت شان آن بزرگمرد را به فراموشی سپرده اند. بد بختانه رسم ،در بسیاری ازگروه های انقلابی افغانستان این است که اگررفیقی از مرکز فرماندهی آنها اطاعت نکرده سر کشی ویا انتقاد نماید ، به دشمن جانی آنها تبدیل می شود و تمام گذشته مبارزاتی اش را فراموش میکنند واز آن انکار مینمایند . اما اگر گوسفند وار گردن نهادند وتملق وچاپلوسی پیشه کردند ، سلاح انتقاد وانتقاد ازخود رابر زمین گذاشتند واز مبارزه ایدئولوژیکی خود داری ورزیدند ؛ آنگاه مورد حمایت و توجه آن هاقرار گرفته ، بهترین انقلابی معرفی میشوند. رفقا ! نیروهای رزمنده واقلابی ! بیائید، این رسم نا

پسندیده را که مثل مور یانه از درون برندگی و پویایی جنبش را میخورد؛ به دور اندازیم و از تمام انقلابیون دلاور و رزمنده خلق افغانستان، که در خط انقلابی اندیشه های دموکراتیک نوین خلق افغانستان رزمیده اند و جان های شریف خویش را از دست داده اند و یا از دست میدهند؛ یاد آوری نمائیم و از آنها به نیکویی یاد نمائیم. دفاع از دلاوران رزمنده خلق که رفیق بصیر اخگر یکی از پیشتازان آن میباشد، وظیفه تمام نیروهای انقلابی خلق افغانستان میباشد. هنوز هم وقت است. بیایید از شخصیت های انقلابی تمامی دلاوران رزمنده خلق بدون در نظر داشت تعلقات سازمانی آنها به دفاع بر خیزیم؛ اما مبارزات ایدئولوژیکی و سلاح برنده انتقاد و انتقاد از خود را بخاطر تصحیح اشتباهات و طرد انحرافات ایدئولوژی سیاسی و رشد و تثبیت و تقویت خط انقلابی پرولتری (مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) و اعتلای جنبش یک لحظه فراموش نکنیم. اندیشه های اپورتونیستی و انحرافی را بخاطر طرد و اصلاح آن با تمام نیرو و توان انتقاد و نقد کردن و به شخصیت ها و مولدین اندیشه های انقلابی پرولتری احترام کردن و ارزش انسانی قایل شدن، یکی از راه های است که برای پروسه وحدت جنبش انقلابی پرولتری خلق افغانستان مفید تمام شده و باور مردم رابه آن از دیاد می بخشد. چقدر مضحک است که دلاوران رزمنده خلق افغانستان جان های شریف شان را از دست دادند. اما، ما به بسیار سادگی بنام تعلق داشتن شان به این و یا آن گروه یا آن سازمان؛ آن هارا به باد فراموشی سپرده و یا بالای آن ها هزاران تهمت و بهتان حک نمائیم. بویژه در شرایط کنونی که عده ای از اپورتونیست ها

و فرصت طلبان درون جنبش به پاشنه های خونچکان اشغالگران امریکائی ، ناتوئی و نوکران داخلی آن ها بوسه میزنند و مصروف دلربائی با آنها هستند و خون های پاک شهدای انقلابی کشور را در معامله قرار داده اند؛ وظیفه بس مهم و خطیر در پیش روی جنبش انقلابی پرولتری خلق کشور قرار دارد . یکی از این وظایف ، دفاع از گذشته جنبش انقلابی دموکراتیک نوین کشور و دلاوران رز منده آن است. زیرا عده ای از اپورتونیستهای درون جنبش در تلاش هستند تا به گذشته جنبش مهر خود بخودی و خرده بورژوازی حک نمایند و آن را بی اعتبار سازند و شهدای انقلابی کشور را هم شهدای جنبش خود بخودی و خرده بورژوازی قلمداد نمایند و وانمود سازند که گویا در افغانستان هیچ جنبش انقلابی و کمونیستی ضد امپریالیستی وجود نداشته است ؛ اما آنها کور خوانده اند . جنبش انقلابی خلق افغانستان هنوز هم مانند شفق سرخ می درخشد و هیچ نوع دسیسه ، توطئه ، افترا و بهتان مانع درخشش آن شده نمیتواند. این جنبش کبیر تا برون راندن امپریالیست های وحشی اشغالگر و دولت مزدورانها و سرنگونی فئودالیسم ، کمپرادوریسم و امپریالیسم و ایجاد یک جامعه انسانی و فارغ از هر نوع استعمار و استثمار وستم در افغانستان و جهان ادامه خواهد یافت.

